

تحلیل یکپارچگی میان دو کشور ایران و ترکیه

دکتر علیرضا شکیبائی*

دانشیار گروه اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد

دانشگاه شهید باهنر کرمان

فاطمه کبری بطا

کارشناس ارشد علوم اقتصادی

سمیه حیدرآبادی

کارشناس ارشد اقتصاد کشاورزی

چکیده

این مقاله پس از بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی دو کشور ایران و ترکیه، دستاورد تجاری همگرایی اقتصادی این دو کشور را با یکدیگر و در قالب شکل‌گیری بلوک منطقه آسیای جنوب غربی مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع، هدف اصلی مقاله، بررسی پتانسیل تجاری و تأثیر آن بر میزان افزایش تجارت دو جانبه بین دو کشور ایران و ترکیه است. بر این اساس، مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که: آیا همکاری‌های تجاری دو کشور ایران و ترکیه با یکدیگر و با سایر اعضای بلوک منطقه آسیای جنوب غربی می‌تواند به افزایش تجارت دو جانبه آنها منجر شود؟ برای پاسخ به این سوال، از مدل جاذبه تعمیم‌یافته و برای تخمین آن از روش اقتصادسنجی رگرسیون چند متغیره با داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج برآورد نشان می‌دهد متغیرهای مستقل درآمدها و فاصله جغرافیایی بین آنها تا حد زیادی همکاری‌های اقتصادی بین ایران و ترکیه را توجیه می‌کنند، که این می‌تواند زمینه‌ساز افزایش جریان‌های تجاری دو جانبه میان دو کشور باشد. همچنین نتایج نشان می‌دهد این دو کشور نمی‌توانند با کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی همگرایی مثبتی داشته باشند.

طبقه‌بندی F15,F36:JEL

کلید واژه‌ها: یکپارچگی تجاری، تجارت دو جانبه، مدل جاذبه تعمیم‌یافته، داده‌های تابلویی.

mahs.bata@yahoo.com

*- نویسنده مسئول.

تاریخ پذیرش: ۹۰/۴/۱

تاریخ دریافت: ۸۹/۹/۱۰

Analysis of Trade Integration **Between** Iran & Turkey

Alireza Shakibae

*Associate Professor of Economics,
Faculty of Economics and
Management, Shahid Bahonar
University Of Kerman*

Fatemeh Kobra Bata

M.A in Economics

Somayeh Heydarabadi

M.Sc in Agricultural Economics

Abstract

This paper after studying popularized and economic condition in Iran and Turkey, investigates economic integration trade result of the two countries together and with South West Asia region. in fact the main purpose of this paper is to **investigate** the trade potential and **Its** effects on increasing bilateral trade between Iran and Turkey. **This paper aims to answer this question:**

Could trade cooperation between Iran and Turkey and also with other members of South West Asia region lead to the increase of bilateral trade?

In order to answer this question, Generalized Gravity Model **was** used and it **was** estimated with Panel Data method. The results indicate that per capital income and geographical distance between them **greatly** justify **economic** cooperation between Iran and Turkey. This can lead to an increase in bilateral trade cooperation between two countries. The results also showed that two countries can not have integration with other South West Asia countries.

JEL Classification: F15, F36.

Keywords: Trade integration, Bilateral trade, Generalized Gravity Model, Panel Data.

۱. مقدمه

امروزه، همزمان با جهانی شدن، شاهد همگرایی اقتصادی در مناطق مختلف جهان بوده و در واقع نزدیکی کشورهای که در یک منطقه قرار دارند، به لحاظ فرهنگ و نژاد، زبان و دین و... همچنین فاصله کوتاه تر و کاهش هزینه حمل و نقل، موجب تمایل بیشتر این کشورها به همکاری شده است. جهانی شدن علاوه بر جهانی کردن بازارها و گسترش آنها، منجر به ایجاد یک فضای

رقابتی می‌شود. در این فضای پیچیده و دشوار، تنها واحدهایی امکان بقا و رشد دارند که از قدرت اقتصادی و رقابتی بالایی برخوردار باشند (Behkish, 2001).

در مقابل پدیده جهانی شدن، بسیاری از کشورهای در حال توسعه به منطقه‌گرایی روی می‌آورند تا از این طریق اقتصاد خود را در مقابل رقابت جهانی حفظ نمایند و به تبع آن منافع اقتصادی این کشورها را افزایش دهند و ارتقای سرمایه‌گذاری و رشد را در درون منطقه‌شان میسر سازند. کشورها همچنین، سعی می‌کنند که از طریق منطقه‌گرایی به مزیت رقابتی در بازارهای جهانی دست پیدا کنند تا مسائل تجاری و اقتصادی را در مقیاس منطقه‌ای حل و فصل نمایند.

ابزارهای منطقه‌گرایی همان عواملی هستند که باعث جهانی شدن می‌شوند، مثل تجارت آزاد، سرمایه‌گذاری‌های درون منطقه‌ای و همچنین فعالیت شرکت‌های چند ملیتی در خصوص تخصصی کردن فرایند تولید. اینها عواملی هستند که باعث ادغام اقتصادی کشورها در یک منطقه می‌شوند (Behkish, 2001).

منطقه‌گرایی می‌تواند ابتدا با مقدمه همگرایی اقتصادی دو کشور شکل گیرد. بنابراین اگر پتانسیل‌های اقتصادی دو کشور مشخص گردد زمینه برای شکل‌گیری منطقه اقتصادی فراهم خواهد شد. هر دو کشور ایران و ترکیه در گروه کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شوند و از آنجایی که بقای کشورهای در حال توسعه در بازارهای بین‌المللی، نیازمند توان و قدرت رقابت با این بازارها و رقابتی قدرتمند جهانی است، شکل‌گیری گروه‌های اقتصادی در مناطق مختلف جغرافیایی و پیوستن کشورهای در حال توسعه به این بلوک‌های منطقه‌ای نقش تعیین‌کننده‌ای در ثبات سیاسی - اقتصادی آنها خواهد داشت. لذا باید کلیه عوامل موثر بر همکاری‌های اقتصادی - منطقه‌ای دو کشور ایران و ترکیه مورد بررسی قرار گیرد. با بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی دو کشور و به دلیل هم‌مرز بودن آنها، می‌توان به وجود پتانسیل‌های صادراتی مشترک بین دو کشور و اینکه می‌توانند بیشترین همکاری‌های تجاری را با یکدیگر داشته باشند، پی برد.

۲. بررسی وضعیت جمعیتی و اقتصادی ایران و ترکیه

برطبق آمار بانک جهانی (WDI, 2002) جمعیت کشورهای ترکیه و ایران در سال ۲۰۰۷، به ترتیب برابر ۷۳/۶، ۷۱/۰ میلیون نفر برآورد شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌گردد جمعیت

کشور ایران در حدود جمعیت ترکیه می‌باشد و این دو کشور از نظر تعداد جمعیت بسیار مشابه هستند.

همچنین در سال ۲۰۰۷، تولید ناخالص داخلی، که یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده اندازه کشورهاست، برای کشور ترکیه برابر ۴۸۲ و برای ایران ۲۷۸/۱ میلیارد دلار برآورد شده است. تولید ناخالص داخلی ترکیه که از جمعیتی تقریباً برابر با ایران برخوردار است در سال ۲۰۰۳، ۱/۸ برابر ایران بوده است و پس از گذشت چهار سال در سال ۲۰۰۷، ۱/۷ برابر ایران برآورد شده است. تولید ناخالص داخلی ترکیه در فاصله زمانی ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۸، ۲/۶ برابر و در مورد ایران ۳/۳ برابر شده است. تولید ناخالص داخلی بر اساس برابری قدرت خرید (PPP) در سال ۲۰۰۷ برای دو کشور ترکیه و ایران به ترتیب برابر با ۷۲۲/۶ و ۶۴۷/۶ میلیارد دلار برآورد شده است. رشد اقتصادی کشور ترکیه در سال ۲۰۰۷، ۵/۰ برآورد شده است و رشد اقتصادی ایران در همان سال مقداری کمتر از کشور ترکیه می‌باشد (۴/۹) که نشان دهنده توان بالقوه ایران برای دستیابی به رشدهای اقتصادی بالاتر می‌باشد. تولید سرانه کشور ترکیه ۶۵۴۸ دلار برای سال ۲۰۰۷ برآورد شده است. وضعیت ایران در مورد این متغیر مهم اقتصادی، که یکی از شاخص‌های نشان‌دهنده وضعیت رفاهی کشورهاست در مقایسه با ترکیه که جمعیتی تقریباً برابر با آن دارد در سال ۲۰۰۷، ۶۰ درصد ترکیه برآورد شده است. اما نرخ بیکاری ترکیه در فاصله سال‌های ۱۹۹۸ الی ۲۰۰۵ روند صعودی داشته است و از ۶/۸ درصد در سال ۱۹۹۸ به ۱۰/۳ درصد در سال ۲۰۰۵ ارتقاء یافته است. نرخ بیکاری ایران در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۶ همواره دو رقمی و در سال ۲۰۰۶ بیش از ۱۲ درصد بوده است. نسبت مجموع صادرات و واردات هر کشور به تولید ناخالص داخلی کشور که نشان‌دهنده درجه آزاد سازی تجاری کشور می‌باشد و به عنوان یکی از شاخص‌های مهم نشان دهنده تعامل با دنیای خارج است، برای کشور ترکیه و ایران در سال ۲۰۰۵ به ترتیب برابر با ۶۱ و ۶۹ درصد و این شاخص در سال ۲۰۰۶ برای کشورهای ترکیه و ایران به ترتیب برابر با ۶۲ و ۵۷ درصد بوده است (IMF, 2002).

این اطلاعات نشان دهنده این است که تعامل دو کشور ایران و ترکیه از دیدگاه این شاخص از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. جداول شماره (۱) و (۲) برخی از شاخص‌های اقتصادی دو کشور ایران و ترکیه را طی دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۶ نشان می‌دهد:

جدول (۱): شاخص‌های کلان اقتصادی ترکیه

سهم مجموع صادرات و واردات به GDP	نرخ بیکاری (درصد)	PPP (میلیارد دلار)	GDP سرانه (دلار)	رشد اقتصادی (درصد)	GDP (میلیارد دلار)	جمعیت (میلیون نفر)	متغیر
							سال
-	۶/۸	۴۱۴	۳۱۷۵	۳/۱	۱۹۱/۶	۶۵/۱	۱۹۹۸
-	۷/۷	۴۰۰.۲	۲۸۱۶	-۴/۷	۱۸۱	۶۶/۲	۱۹۹۹
-	۶/۵	۴۳۸.۹	۲۹۹۶	۷/۴	۱۹۸/۲	۶۷/۴	۲۰۰۰
-	۸/۴	۴۱۵.۸	۲۱۲۶	-۷/۵	۱۴۳/۱	۶۸/۵	۲۰۰۱
۶۵	۱۰/۳	۴۵۶.۷	۲۶۷۵	۷/۹	۱۸۳	۶۹/۶	۲۰۰۲
۶۰	۱۰/۵	۴۹۳.۴	۳۴۶۳	۵/۸	۲۴۰/۶	۷۰/۷	۲۰۰۳
۵۸	۱۰/۳	۵۵۲.۹	۴۲۸۹	۸/۹	۳۰۲/۶	۷۱/۱	۲۰۰۴
۶۴	۱۰/۳	۶۱۲.۹	۵۰۶۲	۷/۴	۳۶۲/۵	۷۲/۰	۲۰۰۵
۶۱	۹/۹	۶۷۰.۹	۵۵۳۴	۶/۱	۴۰۱/۸	۷۲/۹	۲۰۰۶
۶۲	-	۷۲۲.۶	۶۵۴۸	۵/۰	۴۸۲	۷۳/۶	۲۰۰۷

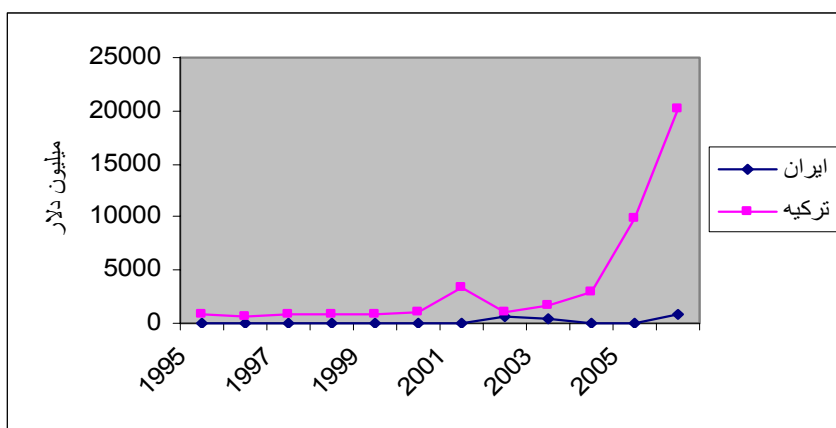
Sources: IMF (International Monetary Fund), World Economic Out Look Database, October 2002.

جدول (۲): شاخص‌های کلان اقتصادی کشور ایران

سهم مجموع صادرات و واردات به GDP	نرخ بیکاری (درصد)	PPP (میلیارد دلار)	GDP سرانه (واحد دلار)	رشد اقتصادی (درصد)	GDP (میلیارد دلار)	جمعیت (میلیون نفر)	متغیر
							سال
-	-	۳۳۴.۶	۱۵۸۳	۲/۷	۹۷/۹	۶۱/۸	۱۹۹۸
-	-	۳۴۶	۱۶۶۶	۱/۹	۱۰۴/۷	۶۲/۸	۱۹۹۹
-	-	۳۷۱.۷	۱۵۰۹	۵/۱	۹۶/۴	۶۳/۹	۲۰۰۰
۴۰	-	۳۹۴.۶	۱۷۷۶	۳/۷	۱۱۵/۴	۶۴/۹	۲۰۰۱
۵۰	۱۲/۸	۴۳۱.۴	۱۷۶۲	۷/۵	۱۱۶/۴	۶۶	۲۰۰۲
۵۳	-	۴۷۲.۲	۱۹۹۳	۷/۲	۱۳۴	۶۷/۲	۲۰۰۳
۵۵	۱۰/۳	۵۷۰.۵	۲۳۵۹	۵/۱	۱۶۱/۳	۶۸/۴	۲۰۰۴
۶۹	۱۱/۵	۵۵۰.۰	۲۷۴۸	۴/۴	۱۸۸/۵	۶۸/۶	۲۰۰۵
۵۷	۱۲/۷	۵۹۵.۴	۳۱۸۸	۴/۹	۲۲۲/۴	۶۹/۸	۲۰۰۶
-	-	۶۴۷.۶	۳۹۲۹	۶	۲۷۸/۱	۷۱	۲۰۰۷

Sources: IMF (International Monetary Fund), World Economic Out Look Database, October 2002.

از دیگر شاخص‌های نشان دهنده تعامل با دنیای خارج، وضعیت جریان ورود و خروج سرمایه-گذاری مستقیم خارجی است. در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ الی ۲۰۰۰ متوسط ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ایران تنها ۴ میلیون دلار بوده در حالی که ترکیه در این فاصله زمانی به‌طور متوسط سالانه ۷۹۱ میلیون دلار ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی داشته است. در سال ۲۰۰۶ ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشور ترکیه ۲۰/۱ میلیارد دلار بوده در حالی است که ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران در سال ۲۰۰۶ حتی به یک میلیارد دلار هم نرسیده است (نمودار شماره (۱)).

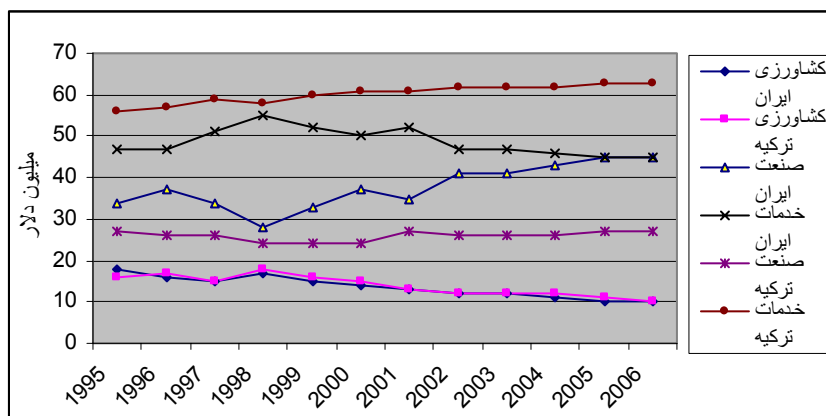


نمودار (۱): جریان خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

کشور ترکیه در سال‌های اخیر در نتیجه بهبود محیط سیاسی، ایجاد زمینه‌ها و فرصت‌ها برای سرمایه‌گذاری، از جریان ورود سرمایه بسیار عظیمی، چه داخلی و چه خارجی بهره برده است و همین امر ترکیه را بر آن داشته تا شروع به تأمین مالی پروژه‌های عظیم در توسعه منابع طبیعی و زیرساخت‌ها به منظور متنوع کردن اقتصاد بپردازد.

همچنین برای آنکه دیدگاه بهتری نسبت به بررسی توانمندی‌های دو کشور ایران و ترکیه داشته باشیم، ارزش افزوده سه بخش اصلی اقتصاد دو کشور (کشاورزی، صنعت و خدمات که به صورت درصدی از GDP محاسبه شده‌اند) با یکدیگر مقایسه شده‌اند. از دیدگاه مقایسه‌ای، در بخش کشاورزی هر دو کشور تا حدودی دارای توانمندی‌های مشابهی هستند. اما در بخش صنعت

و خدمات ساختار متفاوتی را می‌توانیم مشاهده کنیم، به طوری که در بخش صنعت کشور ترکیه وضعیت مطلوبی نسبت به کشور ایران دارد و در بخش خدمات عکس این مطلب صادق است (نمودار شماره (۲)).



نمودار (۲): مقایسه سه بخش اصلی اقتصاد ایران و ترکیه

این ارقام و اشکال گویای این واقعیت است که در مجموع، در ترکیه شدت برون گرایی نسبت به ایران بیشتر بوده است و این دو کشور در صورت همگرایی اقتصادی می‌توانند به افزایش تجارت و رفاه اقتصادی یکدیگر کمک کنند.

در ابتدا در چارچوب ادبیات موضوع، مروری بر مطالعات کاربردی انجام شده در زمینه همگرایی و یکپارچگی اقتصادی کشورها صورت خواهد گرفت و در ادامه در بخش مبانی نظری، مدل‌های جاذبه^۱ به عنوان ابزار تجربی مناسبی که به طور گسترده در تجارت بین‌الملل برای توضیح جریان‌های تجاری دو جانبه به کار می‌روند، معرفی خواهند شد. در بخش ساختار الگو، مدل جاذبه مبنای الگوسازی برای برآورد تأثیرات تجاری بر روی تجارت دو جانبه قرار خواهد گرفت، تا با استفاده از امکانات این مدل (اقتصادسنجی با روش داده‌های تابلویی^۲) تغییرات تجارت

1- Gravity models

2- Panel data

دوجانبه بین ایران و ترکیه با یکدیگر و با سایر اعضای بلوک منطقه آسیای جنوب غربی مورد بررسی قرار گیرد. در بخش انتهایی نیز نتایج تجربی مدل مطرح می‌گردد و پیشنهادهایی ارائه خواهد شد.

۳. ادبیات موضوع

پراتون (Perraton, 2002) و همکارانش معتقدند: "منطقه‌گرایی نه فقط دلالت بر افزایش فعالیت بین کشورهای دارد که از نظر جغرافیایی در یک منطقه قرار دارند، بلکه یک نوع تشدید فعالیت‌های بین‌المللی در میان آنهاست که در نتیجه فعالیت‌های اقتصادی در سطح منطقه و در یک محدوده جغرافیایی به طور شتابانی سازماندهی می‌شوند."

حافظ میرزا (Hafez mirza, 2001) در بررسی جهانی شدن کسب و کار در شرق آسیا، فرآیند منطقه‌گرایی را متأثر از چهار عامل می‌داند که عبارتند از:

- ۱- نزدیکی کشورهای همسایه و بهره‌گیری از امکانات یکدیگر در جهت توسعه اقتصادی، که می‌تواند به ادغام اقتصادی و منطقه‌گرایی منجر شود؛ همانند فرانسه و آلمان در اروپا، مکزیک و آمریکا در نفتا.
- ۲- انگیزه منطقه‌ای شدن ممکن است به دلیل استراتژی‌های مختلف توسعه شرکت‌ها باشد. گسترش فعالیت شرکت‌های چندملیتی در مناطق رشد (مثل چین) باعث به وجود آمدن شرایطی برای سرمایه‌گذاری سرریز در کشورهای هم‌جوار آنها شد.
- ۳- یک حرکت در جهت منطقه‌ای شدن، ممکن است برگرفته یا تشدید شده توسط "یک استراتژی خاص منطقه‌ای شدن" باشد که توسط شرکت‌های چندملیتی دنبال می‌شود.
- ۴- سیاست برخی از حکومت‌ها، آگاهانه منطقه‌ای شدن را تشویق می‌کنند، زیرا انگیزه‌های منطقه‌ای می‌تواند به ایجاد مناطق رشد بیانجامد.

در زمینه منطقه‌گرایی مطالعات بسیاری شده که در ذیل به مواردی از آن اشاره می‌کنیم: آرنون و گروهی از محققین (Arnon et al., 1995) در مطالعه دیگری پتانسیل تجاری بین اسرائیل، حکومت خودگردان فلسطین و اردن را با استفاده از مدل جاذبه برآورد کرده‌اند. در این مطالعه، پتانسیل تجاری به روش‌های مختلف و از جمله با روش مدل جاذبه برآورد و سپس نتایج

آن‌ها با هم مقایسه شده است. این مطالعه برای سال ۱۹۹۱ و برای ۱۶ کشور به طور مقطعی تخمین زده شده است. در این مطالعه، معادله جاذبه در دو حالت برآورد شده است. حالت اول با فرض وجود توافق نامه تجارت آزاد بین سه کشور و حالت دوم با فرض عدم وجود توافق نامه تجارت آزاد بین سه کشور. نتایج نشان می‌دهد موافقت نامه تجارت آزاد می‌تواند باعث افزایش پتانسیل تجاری بین این کشورها شود.

سولوگا و وینترز (Sologa, Isidro, & Winters, I. Alan, 1998) با استفاده از یک مدل جاذبه^۱ نشان دادند هیچ نشانه‌ای از موج جدید منطقه گرایی که بتواند به طور معنی داری تجارت درون منطقه‌ای را زیاد کند، وجود ندارد. در کل با استفاده از آزمون‌های آماری، تغییرات معنی داری قبل و بعد از تشکیل بلوک در افزایش حجم تجارت خارجی مشاهده نشد. در کشورهای اتحادیه اروپا و منطقه تجاری آزاد افتا شواهد متقاعد کننده‌ای از انحراف تجاری مشاهده شد و بعد از کنترل متغیرهای جاذبه اتحادیه اروپا^۲ و افتا وارداتشان به طور معناداری کاهش داشته است. در آمریکای لاتین گرایش به صادرات عموماً با افزایش گرایش به واردات همراه بوده که به اثرات قوی آزاد سازی تجاری عمومی آن‌ها اشاره دارد.

کبیر حسن (M. Kabir Hassan, 2001) نشان داد کشورهای عضو بلوک همکاری منطقه‌ای اتحادیه آسیای جنوبی برای اکتساب سود تجاری درون بلوک در تلاشند و خاطر نشان کرد آزاد سازی تجاری در این بلوک برای کشورهای عضو بلوک سود زیادی را ایجاد می‌کند. او به این نتیجه رسید که باید برای آزاد سازی تجاری تلاش شود و برای تقویت رابطه تجاری دو طرفه، موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای در ساختار عمومی توافقات تجاری ترجیحی حذف گردد. طبق بررسی‌های انجام شده کرر (Carrere, 2004) مشاهده شد توافقات منطقه‌ای باعث افزایش تجارت بین اعضای بلوک می‌شوند.

گوش و رائو (Ghosh, M & Rao, 2005) اثرات پتانسیل اقتصادی اتحادیه گمرکی کانادا و امریکا را بر کشورهای نفتا بررسی کردند. آن‌ها با فرض تعرفه‌های مشترک امریکا و کانادا در مقابل کشورهای غیر نفتا به همراه حذف قوانین اصلی قید شده نفتا برای اتحادیه مشترک، نشان

1- Gravity

2- European Union

دادند همه کشورهای عضو نفتا از این ترتیبات سود خواهند برد و بیشترین منفعت به مکزیک و سپس کانادا و امریکا خواهد رسید.

ایندیرا و کارلوس (Indira and Carlos, 2006) به بررسی تعیین جریان‌های تجاری اعضای افتا^۱ که شامل اثرات آن روی جریان تجارت درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای می‌باشد، پرداختند. تحلیل‌های اقتصاد سنجی نشان می‌دهد افتا سبب انحراف تجاری و جابه‌جایی تجارت از کشورهای برون بلوک به کشورهای با کارایی کمتر درون بلوک می‌شود. در ضمن مشخص شد کشورهای عرضه کننده و تقاضا کننده مکمل یکدیگر بیشتر با یکدیگر تجارت دارند و همچنین ساختار مشابه صادرات بین کشورهای آسه آن^۲ اثر مثبت روی صادرات دو طرفه داشته است.

همچنین مطالعاتی روی مدل جاذبه برای منطقه‌گرایی و بررسی پتانسیل‌های تجاری ایران صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

یوسفی و ارباب (Yousefi & Arbab, 2000) به بررسی و تحلیل همکاری اقتصادی کشورهای عضو اکو و تأثیر تشکیل این سازمان در تجارت متقابل کشورهای عضو پرداختند. محاسبه شاخص تکمیل تجاری و مقایسه آن با شاخص تراکم تجاری نشان می‌دهد این شاخص برای دو کشور ایران و ترکیه و همچنین ایران و افغانستان در مقایسه با شاخص تراکم تجاری آن‌ها بسیار پایین می‌باشد.

آذربایجانی (Azarbayejani, 2002) جهانی شدن، همگرایی اقتصادی - منطقه‌ای و تأثیر آن بر رشد کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری‌های قفقاز را توضیح داد. در این مقاله، پس از بررسی ارتباط جهانی شدن با همگرایی منطقه‌ای و اقتصادی، ادغام آمارسری زمانی و مقطعی برای ۱۵ کشور و در طول سال‌های ۱۹۹۰، ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸ استفاده گردید. آثار همگرایی منطقه‌ای سیاست‌های برون‌گرایی بر رشد و رفاه کشورهای حوزه دریای خزر و جمهوری‌های قفقاز مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. نتایج، بیانگر ارتباط مثبت همگرایی‌های منطقه‌ای و سیاست‌های برون‌گرایی بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه است.

آذربایجانی و همکاران (Azarbayejani et al., 2002) مناسب‌ترین ترتیب اقتصاد ایران بر اساس

1- ASEAN Free Trade Area (AFTA)

2- The Association of Southeast Asian Nations (ASEAN)

شاخص‌های همگرایی و جهانی‌شدن را جمعیت، فاصله تجاری - منطقه‌ای و تولید ناخالص داخلی، مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج عملی این تحقیق نشان می‌دهد که همگرایی اقتصادی اکو^۱ توانسته است حجم جریان‌های تجاری دوجانبه کشورهای عضو را افزایش داده و فرصت‌های مناسبی برای افزایش واردات و صادرات ایجاد کند. نتایج همگرایی D-8 با عضویت کشور ایران به عنوان وضعیت موجود نتوانسته است حجم جریان‌های تجاری دوجانبه را افزایش دهد.

اکبری و معلمی (Akbari & moalemi, 2006) و عابدین مقانکی (Abedin moghanaki, 2008) نشان دادند حجم تجارت بین کشورهای حوزه خلیج فارس کمتر از آن است که متغیرهای مدل جاذبه پیش بینی کرده است.

فتحی (Fathi, 2007) به بررسی میزان اثر بخشی ترتیبات تجاری منطقه‌ای در توسعه تجارت خارجی کشورهای اسلامی براساس شاخص مزیت نسبی آشکار شده پرداخته است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد بخش عمده‌ای از تجارت درون بخشی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر پایه مزیت نسبی صادراتی بوده و صادرات کالاهای دارای مزیت هم به نسبت بالایی از تجارت بین کشورهای اسلامی را به خود اختصاص داده است.

رحمانی و همکاران (Rahmani et al., 2007) با استفاده از مدل جاذبه نتیجه گرفتند ایجاد بلوک منطقه‌ای در مرکز قاره آسیا می‌تواند تجارت دوجانبه این کشورها را افزایش دهد و همچنین منجر به افزایش تجارت این کشورها با سایر کشورها خواهد شد.

زاغیان و عسگری (Zaghiyan & asgari, 2007) اثرات پیوستن ایران به موافقتنامه بانکوک مبنی بر صادرات غیر نفتی کشور را با استفاده از شاخص مزیت نسبی آشکار شده ارزیابی کرده و نشان دادند که پیوستن ایران به موافقتنامه مبنی بر صادرات غیر نفتی کشور اثر مثبت داشته است و رشدی حدود ۶/۵ درصد در صادرات در وضعیت موجود ایجاد می‌گردد.

۴. تصریح مدل

مدل جاذبه از مدل‌های بسیار مناسبی است که در توضیح جریان‌ات تجاری دوجانبه اهمیت

زیادی داشته و بیان مناسبی از پتانسیل تجاری دوجانبه، در یک مقطع زمانی خاص و به طور همزمان از دیدگاه کشورهای صادرکننده و واردکننده را به نمایش می گذارد. کنترل پذیر بودن داده ها و تعداد متغیرهای مناسب از جمله مزیت های مربوط به مدل جاذبه است. دیردوف مدل های جاذبه را موفقیت آمیزترین مدل هایی می داند که از طریق توانایی توضیح پذیری آنها در حجم های تجاری دوجانبه سنجیده می شوند. لمرهون نیز معتقدند مدل های جاذبه واضح ترین و قوی ترین یافته های تجربی را در اقتصاد به وجود می آورند. این مدل جریان تجاری از کشور i به کشور j را به وسیله اندازه اقتصادی کشورهای صادرکننده و واردکننده و فاصله جغرافیایی بین آنها توضیح می دهد که شکل کلی آن به صورت زیر می باشد:

$$X_{ijt} = F(GDP_{it}, GDP_{jt}, D_{ij}) \quad (1)$$

به طوری که جریان های تجاری دوجانبه (X_{ijt})، تابعی مستقیم از اندازه اقتصادی (GDP) دو کشور و تابعی معکوسی از فاصله (D) جغرافیایی میان دو کشور مورد نظر است.

مدل مورد استفاده در این مطالعه مدل جاذبه تعمیم یافته می باشد که جهت تحلیل جریان های تجاری دوجانبه و برآورد پتانسیل تجاری کشورهای عضو، به روش داده های تابلویی مورد برآورد قرار می گیرد تا اثرات ثابت و انفرادی مربوط به کشورهای شریک تجاری نیز مورد توجه قرار گیرد و اریب ناهمگنی از میان برود و نتایج مناسب تری از سازگاری بیشتر به دست آورند.

غالب مطالعات قبل از سال ۱۹۹۵ میلادی، مدل جاذبه را به روش OLS مورد برآورد قرار داده بودند. به دلیل اینکه در این برآوردها عملاً تعدادی از متغیرها در نظر گرفته نمی شوند، بسیاری از تأثیرات ناهمگنی میان کشورهای مورد مطالعه در نظر گرفته نشده است. در همین راستا مطالعات بعد از سال ۱۹۹۵ میلادی به این ویژگی توجه کرده و برای برآورد مدل های جاذبه از روش داده های تابلویی بهره گرفته اند تا با توجه به نتایج حاصله، که شامل روش اثرات ثابت و روش اثرات تصادفی است، بهترین نتایج بدون اریب حاصل گردد (Karimi hosnijeh, 2009).

داده های تابلویی، ترکیبی از داده های سری زمانی و مقطعی اند که برای برآورد آنها از روش اقتصاد سنجی Panel Data استفاده می شود به گونه ای که اگر سری زمانی مورد نظر از تعداد واحدهای مقطعی بیشتر باشد برای تخمین معادله باید از روش Pool استفاده گردد و اگر تعداد واحدهای مقطعی بیشتر از سری زمانی باشد باید از روش Panel استفاده کرد.

جهت بررسی پتانسیل تجاری دو کشور ایران و ترکیه مدل خود را به صورت زیر معرفی

می‌کنیم:

$$LX_{ijt} = \alpha_{ij} + \beta_1 LPGDP_{it} + \beta_2 LPGDP_{jt} + \beta_3 LLIN_{ijt} + \beta_4 LD_{ij} + \beta_5 DU_k + U_{ijt} \quad (2)$$

که در آن منظور از L لگاریتم در پایه طبیعی و با توجه به اینکه هدف بررسی تجارت دو جانبه دو کشور ایران و ترکیه می‌باشد؛ $i=1,2$ ، و برای شرکای تجاری $j=1,2,3,\dots,n$ را در نظر گرفته شده است.

X_{ijt} : تجارت دو جانبه (صادرات دو جانبه) دو کشور i و j در زمان t

$PGDP_{it}$: تولید سرانه کشور i در زمان t

$PGDP_{jt}$: تولید سرانه کشور j در زمان t

LIN_{ijt} : متغیر لیندر یا همان متغیر مشابهت می‌باشد که به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$LIN_{ijt} = (PGDP_{it} - PGDP_{jt})^2$$

D_{ij} : فاصله پایتخت دو شریک تجاری بر حسب کیلومتر

DU_k : متغیر مجازی همگرایی

U_{ijt} : بیانگر جزء اخلاص است.

به طور تئوریک انتظار می‌رود که علامت β_1, β_2 مثبت باشد؛ یعنی هرچه سطح توسعه بالاتر و کشور توسعه یافته‌تر باشد، روابط تجاری بیشتری بین آنها برقرار خواهد بود. β_3 ضریب متغیر مشابهت یا لیندر می‌باشد که می‌تواند منفی باشد. علامت β_4 بر طبق انتظار تئوریک باید منفی باشد، زیرا هرچه دو کشور از هم دورتر باشند هزینه حمل و نقل بیشتر می‌شود و در نتیجه تجارت بین آنها کمتر خواهد شد و علامت β_5 انتظار می‌رود مثبت باشد.

۵. برآورد مدل

این مطالعه تلاش می‌کند، نشان دهد چگونه مدل جاذبه به طور معنی‌داری به منظور توضیح جریان دو جانبه تجارت ایران و ترکیه قابل اعمال است. داده‌های مورد استفاده از لوح‌های فشرده IMF، WDI و PC-TAS استخراج شده است. نمونه آماری مورد نظر شامل ایران و ترکیه و ۱۷ کشور طرف تجاری که کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی و چند شریک تجاری عمده آنها را در بر می‌گیرد و دامنه زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۵ را پوشش می‌دهد. برای دستیابی به نتایج مناسب

برآورد، از نرم افزار Eviews استفاده شده است. بدین منظور از آزمون‌های دوربین - واتسن و آزمون LM برای بررسی وجود خود همبستگی بین جملات پسماند و نیز از آزمون‌های وایت بدون ضرب متغیرهای توضیحی و آزمون وایت با ضرب متغیرهای توضیحی، آزمون‌های ترسیمی برای بررسی وجود ناهمسانی واریانس جملات خطا استفاده شده که نتایج این آزمون‌ها وجود خود همبستگی بین جملات پسماند را تأیید می‌کنند. به منظور رفع مشکل خود همبستگی از $AR(1)$ خود باز توضیحی مرتبه اول یا مراتب بالاتر و یا به صورت میانگین متحرک $MA(q)$ استفاده شده است که در آن رفع مشکل خود همبستگی با استفاده از روش ککرین-اورکات انجام می‌گیرد.

جهت برآورد می‌توان از سه روش اثرات مشترک، اثرات تصادفی و روش اثرات ثابت استفاده کرد.

برای انتخاب این که کدام یک از دو روش تخمین اثرات تصادفی و اثرات ثابت مناسب‌ترند و نتایج بهتر و سازگارتری را ارائه می‌دهند از آزمون هاسمن استفاده شده است که در آن فرضیه H_0 بیان کننده عدم وجود خود همبستگی بین جزء اخلاص عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی می‌باشد و فرضیه H_1 بیان کننده وجود خود همبستگی بین جزء اخلاص عرض از مبدأ و متغیرهای توضیحی است، می‌باشد: تحت روش اثرات تصادفی که در آن از تخمین زنده‌های حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده می‌شود، فرضیه H_1 سازگاری ضرایب را نشان می‌دهد، در حالی که فرضیه H_0 مبتنی بر رد این سازگاری است. تخمین زنده‌های روش اثرات ثابت نیز سازگار بودن ضرایب را تحت هر دو فرضیه H_0 و H_1 نشان می‌دهد (Hsiao, 1986). بنابراین در صورت پذیرفته شدن فرضیه H_0 ، روش اثرات تصادفی به روش اثرات ثابت ارجحیت پیدا می‌کند. در صورت رد فرضیه H_0 و پذیرفته شدن فرضیه H_1 ، روش اثرات ثابت کارا خواهد بود.

با توجه به آزمون هاسمن و مقادیر F و R^2 ، روش اثرات ثابت بهترین نتیجه را از برآورد مدل جاذبه تعمیم یافته حاصل نموده است.

نتایج برآورد مدل جاذبه تعمیم یافته پتانسیل تجاری بین دو کشور ایران و ترکیه در جدول شماره (۳) آمده است.

ستون اول، تخمین میزان همکاری‌های فعلی ایران و ترکیه را نشان می‌دهد. در این ستون نتایج مربوط به برآورد رابطه (۱) آورده شده است. در مرحله بعدی (ستون دوم) متغیر مشابهت لیندر به همراه متغیر مجازی همگرایی ایران و ترکیه وارد مدل شده است. متغیر مجازی به دو صورت وارد شده است: در مرحله اول متغیر مجازی (DU_1) نشان‌دهنده‌ی همگرایی بین دو کشور ایران و ترکیه است و در مرحله دوم متغیر مجازی (DU_2) همگرایی بین گروهی دو کشور ایران و ترکیه را با سایر اعضا بلوک منطقه‌ی آسیای جنوب غربی نشان می‌دهد.

جدول (۳): نتایج تخمین پتانسیل صادراتی ایران و ترکیه

شاخص‌های اقتصادی	میزان همکاری‌های فعلی ایران و ترکیه	دست‌آورد یکپارچگی بین ایران و ترکیه با یکدیگر و با سایر کشورهای منطقه آسیای جنوب‌غربی
$PGDP_i$	۰/۱۶۲ (۲/۵۴)	۰/۱۶۰ (۲/۵۴)
$PGDP_j$	۰/۴۴ (۳/۸۰۱)	۰/۴۴۵ (۳/۸۳)
LIN_{ij}	-	-۰/۰۰۶ (-۰/۱۶)
D_{ij}	-۰/۷۷۵ (-۱/۰۹۱)	-۰/۷۹ (-۱/۰۹)
DU_1	-	۰/۹۹ (۱/۵۱)
DU_2	-	-۱/۱۹ (-۳/۳۳)
\bar{R}^2	۰/۹۹	۰/۹۵
F	۳۶۱۲	۳۱۲۲
آماره هاسمن	۱۵/۹۵	۱۵/۷۳
تعداد مشاهدات	۳۴۵	۳۴۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

آماره t در پرانتز آورده شده است.

همان‌طور که جدول نشان می‌دهد، در روش اثرات ثابت علامت همه ضرایب به جز ضریب DU_2 مطابق انتظار نظری است. متغیرهای درآمد سرانه نشان می‌دهند حجم صادرات دو جانبه به ازای افزایش یک درصد در درآمد سرانه به میزان ۰/۱۶ و ۰/۴۴ افزایش می‌یابد. ضریب منفی متغیر لیندر مطابق علامت انتظاری بوده، اما معنی‌دار نیست. ضریب برآوردی این این متغیر نشان از تأثیر ناچیز ۰/۰۰۶ درصدی عدم مشابهت‌های اقتصادی بر صادرات دو جانبه دارد؛ به عبارت دیگر، این متغیر نشان می‌دهد که مشابهت‌های اقتصادی کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی تأثیر مهمی بر یکپارچگی آن‌ها ندارد. متغیر فاصله از علامت لازم برخوردار بوده است و در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار می‌باشد و به این معنی است که هرچه فاصله کشورها از یکدیگر بیشتر باشد، هزینه حمل و نقل بیشتر و در نتیجه تجارت بین آن‌ها کمتر خواهد بود.

متغیر DU_1 معنی‌دار بوده و مطابق علامت انتظاری برخوردار است و نشان می‌دهد یکپارچگی دو کشور ایران و ترکیه، صادرات دو جانبه آن‌ها ۰/۹۹ درصد افزایش می‌یابد. این متغیر با ضریب برآوردی مناسب نشان از وجود پتانسیل قوی صادراتی بین ایران و ترکیه دارد و به شدت بر پتانسیل تجاری دو کشور مؤثر خواهد بود. متغیر DU_2 معنی‌دار (۰/۹۹) بوده اما مطابق علامت انتظاری نیست و نشان می‌دهد که یکپارچگی بلوک منطقه آسیای جنوب غربی فاقد توجیه لازم است.

۶. جمع‌بندی و ملاحظات

(۱) نتایج مطالعه نشان می‌دهد ایران و ترکیه به دلیل ساختارهای اقتصادی نسبتاً یکسان و همچنین مشترکات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی می‌توانند بیشترین همکاری‌های اقتصادی را در زمینه‌های گوناگون داشته باشند و به افزایش حجم مبادلات تجاری دو جانبه (صادرات دو جانبه) یکدیگر منجر گردند.

(۲) انجام سرمایه‌گذاری‌های خارجی مشترک ایران و ترکیه در زمینه‌هایی که در راستای مزیت نسبی دو کشور بوده، می‌تواند به افزایش حجم مبادلات تجاری و در نتیجه افزایش صادرات دو جانبه آن‌ها منجر شود.

(۳) به طوری که نتایج مطالعه نشان می‌دهد، تشکیل بلوک منطقه آسیای جنوب غربی فاقد

توجیه کافی است. از آنجایی که کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی، کشورهای در حال توسعه و ضعیفی هستند و اکثراً دارای اقتصاد تک محصولی اند (کشورهای خاور میانه و کشورهای حوزه دریای خزر) در عمل، فاقد توانمندی‌های لازم صادراتی و سرمایه‌گذاری در سایر حوزه‌ها هستند و در نتیجه نمی‌توانند نقش مکمل منطقه‌ای را برای یکدیگر ایفا کنند. نگاهی به وضعیت کشورهای منطقه حوزه خلیج فارس مبین این نکته است که کشورهای این منطقه به واسطه اتکای شدید به درآمدهای نفتی و تشابه محصولات صادراتی نه فقط این کشورها را آن گونه که لازمه همگرایی منطقه‌ای است، وارد فرآیندهای هماهنگی، همکاری، ائتلاف و اتحاد نمی‌سازد، بلکه در عمل می‌توانند حتی آنان را به مثابه رقبای یکدیگر تبدیل کند.

References

- 1- Abedin, M.R. (2007). "factors determine the development of trade relations between Iran and the Persian Gulf Cooperation Council member countries". Journal of Iranian Economic Research, Vol. 8, No. 27, pp195- 217. (in Persian).
- 2- Arnon, A., A. Spivak and j Weinblatt(1995); "The Potential for trad Between Israel, the Palestinians and Jordan", the world Economy, 19, pp.113-134.
- 3- Azerbaijani, K. Tayebi, S.K, Karimi, H. (2002). "Determining of the most suitable for regional trade arrangements based on economic convergence criteria and globalization". Journal of Iranian Economic Research, No. 13, pp 75-107. (in Persian).
- 4- Azerbaijani, K. (2002). "Globalization, regional economic integration and its impact on growth of the Caspian Sea littoral states and the Caucasus republics". Journal of Economic Research, No.169, pp 61-149. (in Persian).
- 5- Akbari, N. Moalemi, M. (2006). "Economic integration in the Persian Gulf countries (using a spatial econometric methods)". Iranian Economic Research. Vol. 7, No. 126, pp 25-109. (in Persian).
- 6- Behkish, M.A. (2001). "Iran's economy in the context of globalization", publishing Ney, Tehran. (in Persian. (Carrere.(2004)."Revisiting The Effects of Regional Trade Agreements onTrade". European Economics Review, 50(2):223-247
- 7- Fathi, Y. (2006). "Evaluation of the effectiveness of regional trade arrangements development of foreign trade in the Islamic countries on the basis of comparative advantage". Economic Research of Iran, Vol. 8, No. 25, p 123-101. (in Persian).
- 8- Hsiao, C.(1986)-Analysis of Panel Data, New York, Cambridge University Press(15) (16).IMF(International Monetary Fund)(2002).
- 9- Indira m.Hapsari and Carlos Mangun Sony.(2006)."Determinants of AFTA

- Member's Trade Flows and Potential for Trade Diversion". Journal Asia-Pacific research and Training Network on Trade Working Paper Series, no21
- 10- Karimi Hsnyjh, H. (2008). "Impact of Trade Liberalization on Foreign direct investment OIC Cauntris". Journal of development and investment, Vol. 1, No. 1, pp133- 148. (in Persian).
 - 11- Ghosh, M, & Rao, S. (2005). "A Canada – US Customs Union: Potential Economic impact in NAFTA countries". Journal policy modeling.
 - 12- Mirza, H. (1999), "the Globalization of Multinational Enterprises and Developing Country Multinationals", in Hood. N. and s. Young (ed) the Globalization of Multinational Enterprises Activity and Economic Development, St. Martin Press (or Mocmlon. (M. Kabir Hassan . (2001). "Is SAARC economic Block ? Evidence from Gravity Model". Journal Asian Economics. Journal of Asian Economics 12 :263–290.
 - 13- Perraton, Y. (1997), " the Globalization of Economic Activity", New Poltical Economy, 2:257-277
 - 14- Rahmani, M. (2006). "Achievements of the regional trade bloc formed in the center of Asia". Journal of Engineering, No. 38. (in Persian).
 - 15- Sologa, Isidro and Winters, I. Alan. (1998). "Regionalism in the Nineties : What Effect on Trade? World bank Economic and Social Data. Word Economic Out Look Database, October (2002).
 - 16- Yousefi, M. Arbab H.R. (2000). "Analysis of economic cooperation with ECO, index of density, and completing commercial bias". Journal of Iranian Economic Research, No. 7, pp9- 39. (in Persian).
 - 17- Zaghian, M. Asgari, M. (2006). "Impact assessment of Iran's accession to the Bangkok Agreement on non-oil exporting countries". Journal of Engineering, No. 38. (in Persian).